



سختی‌های ساختِ سریال «آتش و باد» از زبان مهدی فقیه

بازیگری که تجربه زندگی در ایلات و عشایر را دارد

بازیگر نقش «پیروز» در مجموعه تلویزیونی «آتش و باد» از حضور در این اثرو ویژگی‌های آن گفت.

مجموعه تلویزیونی آتش و باد با نام قبلی جشن سربرون به کارگردانی مجتبی راعی، مجموعه ویژه شبکه سه سیما در عید نوروز و ماه مبارک رمضان است؛ سریالی که با خودش روایتی از دل تاریخ آورده که عشق در آن، آتش خشم را شعله‌ور می‌کند.

این سریال با یک جنگ بزرگ ادامه پیدا می‌کند و همزمان پرداخت‌هایی به فراز و فرودهای تاریخی ایران در عصر مشروطه دارد. در این سریال بازیگران نام‌آشنایی به ایفای نقش می‌پردازند. مجتبی راعی و حسن نجاریان این سریال شبانه شبکه سه سیما را در ایام نوروز و ماه رمضان را کارگردانی و تهیه کرده‌اند. با مهدی فقیه که نقش پیروز را در سریال آتش و باد دارد، گفت‌وگویی داشتیم که مشروح آن در پی آمده است:

۴ آقای فقیه! سریال آتش و باد در بین عشایر می‌گذرد و در کنار خیلی از اتفاقات دیگر، در نوع خودش اتفاق جالبی است...

ایلات و عشایر حق بزرگی بر گردن مردم ما دارند و همواره در طول تاریخ مدافع این آب و خاک بوده‌اند. چه در دوران قاجار و چه در زمان حکومت پهلوی همواره در صف اول مبارزه با استبداد و استعمار بودند و در دوران دفاع مقدس هم شهدای زیادی از عشایر داشته‌ایم، با این حال ما در سینما و تلویزیون کار زیادی برای آنها نکرده‌ایم. البته سریال‌هایی مثل روزی روزگاری یا مسافران دره انار یا آثار سینمایی آقای جعفری جوزانی به زندگی عشایر و ایلات پرداخته‌اند که اتفاقا کارهای ماندگاری هستند اما زندگی و تاریخ این مردم غیور سرشار از سوزهای ناب است که باز هم جای کار دارد. امیدوارم مدیران سینما و تلویزیون زمینه را برای تولید آثار با کیفیت و جذاب با محوریت عشایر فراهم کنند.

۴ این طور که شنیده‌ام خودتان تجربه حضور در میان عشایر را داشته‌اید. بسیاری شما را می‌شناسند که در شیراز زندگی می‌کنید و نمایش‌هایی را داشتید که در این فضا ساخته شده‌اند.

بله کاملاً درست است. من خودم تجربه حضور در میسان عشایر را داشته‌ام و حتی در دوران جوانی در کوچ سه ماهه عشایر قشقایی همراه شان بوده‌ام. در همان سال‌ها نمایش رستم و سهراب را برای عشایر فارس اجرا می‌کردیم. در آن نمایش، من نقال بودم، مرحوم مجید افشاریان که از چهره‌های شاخص تئاتر شیراز بودند نقش رستم را داشتند و آقایان محمود پاک‌نیت و حبیب دهقان نسب هم نقش سهراب را بازی می‌کردند. همه ما جوان بودیم و برای کار انگیزه داشتیم.

آنجا شاهد بودم که این عشایر نازنین و سلحشور چقدر برای مهمان احترام قائل هستند. از سوی دیگر چه ساختار منظم و سلسله مراتب اجتماعی دقیقی بین خودشان دارند که

بخش‌هایی از آن را در همین سریال هم می‌بینید. در انجام کارهای روزمره هم بین اعضای خانواده تقسیم وظایف وجود دارد. من این تجربه زیسته را فراموش نکردم و حتی در حین کار پیشنهادهایی را هم به آقای راعی عزیز گفتم که ایشان هم با سعه صدر می‌شنیدند. از جمله این که گفتم عشایر یا حداقل عشایر منطقه فارس، برای مهمان سفره پهن نمی‌کنند بلکه غذاها را با همان احترام در مجمعه (سینی بزرگ مسی) می‌گذارند و می‌آورند.

۴ آنها که سریال آتش و باد را دنبال می‌کنند نقش شما برای آنها شناسست همان بزرگ و ریش سفید

ایل که پیروز نام دارد. از نقش‌تان در این مجموعه تلویزیونی بگوئید. پیروز یکی از بزرگان و ریش سفیدان ایل است که اولویت اصلی برای حفظ جایگاه ایل و تداوم آن است. اگر نکته‌ای با کد خدا بهادر مطرح می‌کند یا با او صحبت تندی دارد، برای همین حفظ ایل است. در بخش عمده داستان که در بین چادرهای عشایر می‌گذرد و تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود، حضور دارد.

ضمن این که به نوعی حکیم و طبیب ایل هم محسوب می‌شود و از طب سنتی هم سرشته دارد. پیروز می‌خواهد تاروپود ایل محکم بماند و درگیری‌های سیاسی به آن ضربه نزنند. برای او احترام به بزرگان ایل مهم است و صحبت‌هایی هم که با کد خدا دارد بر همین اساس است.

۴ نکته دیگری که درباره آتش و باد مطرح است، آن ترکیب معنویت و حماسه است؛ نظر شما در این باره چیست؟

از نگاه من، در زندگی عشایر معنویت تلاش و سلحشوری عناصر اصلی هستند. در داستان آتش و باد هم شاهد ترکیب معنویت و حماسه هستیم و همین موضوع، آن را جذاب کرده است. در سریال دیدیم که با این همه آزار و فشاری که ایلیاتی‌ها از خان بزرگ و حکومتی‌ها می‌بینند اما با توکل به خدا پشت کد خدا را خالی نمی‌کنند و به او وفادار هستند.

۴ ساخت این سریال سختی‌های خاص خودش را داشت؛ از فضای کرونا و فوت آقای کریم اکبری مبارکه تا فضای تاریخی داستان که اتفاقات خودش را دارد.

از همان زمان مشخص بود که تولید این سریال کار سختی است و مانند سریال‌هایی که در لوکیشن‌های محدود شهری ساخته می‌شود نخواهد بود؛ اما اعتقاد دارم که کاری که برایش زحمت کشیده شود در نهایت ماندگار خواهد شد. آتش و باد هم از همین دسته آثار بود.

این گونه نبود که مثلاً لوکیشن کوه، دشت و رودخانه یا پدیده‌های طبیعی مثل برف و باران و طوفان را با جلوه‌های ویژه بسازیم. روزهای زیادی در لوکیشن‌های سرد منتظر بارش برف بودیم.

در سرمای نیمه‌شب زمستان در امامزاده داود که گاهی ریش و سبیل بازیگران و عوامل قندیل می‌بست کار کردیم، چون اعتقاد داشتیم اگر پشت یک کار عشق باشد باید سختی‌ها را هم تحمل کرد. در این بین، هم آقای راعی و هم آقای نجاریان در کنار عوامل بودند و تا جایی که امکان داشت از آنها حمایت می‌کردند.

صحبت کردن درباره یک بزرگ (مرحوم اکبری مبارکه)، یک هنرمند دلسوخته واقعی تئاتر، سینما و تلویزیون مشکل است. من از دهه ۴۰ با این مرد بزرگ آشنا شدم و کارهایی در حوزه تئاتر و تصویر با هم داشتیم. واقعا تأسف خوردم که ایشان را در جریان این سریال از دست دادیم. خدایش بیامرزد.



نگاهی به «پیامک از دیار باقی» تجارت مرگ بر بستر طنز

مجموعه نوروزی «پیامک از دیار باقی» سیروس مقدم به مقوله تجارت با مرگ و قرابت مرگ و زندگی بر بستر طنز می‌پردازد، ولی در ادامه نمی‌تواند تعادل لازم را در انتخاب لحن حفظ کند و دچار چند پارگی می‌شود. محسن تنابنده، نویسنده این مجموعه است که تجربه نگارش فیلمنامه‌های مختلفی را در کارنامه‌اش دارد. نکته جالب در مرور کارنامه او این‌که تم و بستر اصلی مجموعه پیامک از دیار باقی بسیار نزدیک به فیلم چند می‌گیری گریه کنی است؛ هردو به نزدیکی مرگ و زندگی بر بستر طنز پرداخته و به نوعی به مقوله تجارت با مرگ توجه دارند. محور اصلی مجموعه کاراکتری فرصت طلب و کلاهبردار به نام منصور سیم‌خواه (محمد رضا شریفی‌نیا) است که شمایی ظاهراً صلاح برای خود برگزیده تا اعتماد دیگران را جلب کند.



ایده جذاب اولیه که حضور این کاراکتر را واجد پتانسیلی ویژه مجموعه کرده، نکته‌ای از پیش تعیین شده است. راهی که سیم‌خواه برای فرار از دست طلبکاران انتخاب می‌کند، یعنی مردن نمایشی، راهکاری است که چندان جدید به نظر نمی‌آید، ولی طبعاً آنچه می‌تواند آن را تازه و جذاب کند، چیدمان شرایطی است که رسیدن به این راهکار را واقعی جلوه دهد.

رابطه سیم‌خواه با همسرش بدری (افسانه بایگان)، چگونگی حضور شیرین (شیلا خداداد) به عنوان زن دوم، رابطه دایی (حمید لولایی) و همسرش با این خانواده و در نهایت نوع حضور دو پسر او حامد (حامد کمیلی) و حمید (سروش گودرزی) از مواردی هستند که پس از معرفی کاربردی به ورطه تکرار می‌افتند.

داستان‌هایی هم که برای سرک‌کشیدن به قصه فرعی آنها طراحی شده در مسیر همین تکرار محض کارکرد خود را از دست می‌دهد. به عنوان مثال رابطه حمید با نامزد و پدر نامزدش، رابطه دایی و زن دایی با هم و همچنین با بدری، رابطه فتح‌آ... (افشین سنگ‌چاپ) و نقی (رامین راستاد) و ... از جمله این چینش‌هاست که داستان‌های برخی از آنها در پیشرفت دچار افست و خیز شده و در حد همان تعریف اولیه باقی می‌ماند اما در وجه مقابل می‌توان به نوع حضور شیرین اشاره کرد که در خط فرعی مربوط به او اوج و فرود و پیشرفت داستانی حاصل می‌شود و درواقع می‌توان گفت در زیرلایه آن همگام با خط اصلی روندی پویا اتفاق می‌افتد. حضور مادر شیرین، آشکار شدن شیوه آشنایی او و سیم‌خواه در مقطع میانی، بارداری، حضور او با فشار مادر در مراسم خاکسپاری سیم‌خواه و ... نقاط عطفی هستند که می‌توانند در عین حال شخصیت را هم به تدریج معرفی کنند. مجموعه پیامک از دیار باقی در قسمت‌های انتهایی دچار تغییر لحن اساسی می‌شود و از آنجا که دست نویسنده و سازنده از طنز و کمدی تزیینی خالی شده، تلخی و گزندگی آن به خصوص در این تضاد لحن توی ذوق می‌زند تا در سکانس‌های متوالی مخاطب شاهد زنده به گور ماندن سیم‌خواه و عبرت گرفتن او از مرگ نمایشی خود باشد.

از اینجاست که بعد پایان غیرقابل پیش‌بینی که تا جایی نقطه قوت این مجموعه را تشکیل می‌داد نیز از دست می‌رود تا دیگر این نقطه امتیاز را هم از دست داده و پایان اخلاقی، رفتن هر دو زن به یک جبهه و ... طبق کلیشه‌های نخ‌نما، جذابیت خود را از دست بدهد.



مشخص بود

که تولید این

سریال کار سختی

است و مانند

سریال‌هایی که

در لوکیشن‌های

محدود شهری

ساخته می‌شود

نخواهد بود؛ اما

اعتقاد داریم که

کاری که برایش

زحمت کشیده

شود در نهایت

ماندگار خواهد

شد. آتش و باد

هم از همین

دسته آثار بود